

- در صفحه ۱۲ بخوانید...
- اصفهان: دست رفته را باز گردانید | حبیب الله جوده کی
- رفقای بازی پر و باختی | اسماعیل بییدی
- نامممول نیست | ابرسی از کتاب راه هنر مند
- ...

قراری که با خودم گذاشتم

با خودم قرار گذاشتم تا طول سال حداقل یکبار کنسرت خیرخواهانه برگزار کنم. این حداقل کاری است که در برابر چیزهایی که از دیدم می بینم می توانم انجام دهم. جالب این است که وقتی وسوسه این اتفاق قرار می گیری یک اتفاق بزرگ و در عین حال تلخ را با چشمان خودت نظر می کنی. هر چه بیشتر تلاش کنی نازه می نیهم. چقدر عقب هستی! بنابراین تا سخت تر و سخت تر می شود اما تصمیم گرفتم تا آنجایی که می توانم کار کنم. با این وجود معتقدم اگر این دست کارها را گروهی می بیند بریم اتفاق بهتری در انتظار ما خواهد بود. مردم کشور ما در زمانهای آرام اخلاقی در این زمینه ضعیف هستند...



پروندهای دربار را هاکرهای توسعه فرهنگ داوطلبی در جامعه

یاری بی چشمداشت



در صفحه ۱۱ بخوانید...

افتراح
درباره طرح پیشنهادی دیپلم زودرس
برای دختران

چه کسی
می تواند خط مشی فرهنگی
تعیین کند

هر یکشنبه با منوچهر آشتیانی

در شهر کوران
یک چشم یادداشت

نگاه منتقد

ایجاد فضای صلح و
تفاهم با رسانه های
گفت و گو محور

تاکسی نوشت

قابلیت رونداشت



داوطلبی؛ فرهنگی که باید احیا شود

عبدالمجید سالاری | داوطلب فعال جمعیت هلال احمر گرگان

هرمزان قلام داوطلبی را پخش می کردیم یا این که بیامان نیازمندان را زودتر از موعد می دیدیم. برای آن که کارهای جهادی و داوطلبانه شکنی رسمی تر به خود بگیرد، نیاز داشتیم که توسط سازمانی حمایت شویم. بنابراین تصمیم گرفتیم به هلال احمر بپیوندیم. اگر تا آن زمان با هزینه خود برای حمایت می کردیم اما حالا چون داوطلب شدیم البته نه فقط حمایت مالی که در واقع شکل و بوی فعالیت های جهادی ما با هم راهی هلال احمر گسترده تر شده تا امروز هم در هر مناسبتی فرصت داشتیم و به قول عموم، بکرنگ تر به نظر می رسید. و کمتر کسی به فکر منابع شخصی بود. توسعه بخش زیادی از مردم (از طریق آشنایان، همکاران و دیگر بزرگان حاضر در کلاس ما) البته من در سال های جنگ همسایه امادگی می نمودم. در مناطق مختلف خورستان مثل اهواز، حضور داشتم و چند بار هم مجروح شده ام. امروز جانباختن ۱۰۰ درصد هسته های هیئت فعالیت های داوطلبانه و عام المنفعه را کنار نگذاشته ام. بارها ندهای اهالی خود را برای تهیه فیلم و عکس از فعالیت های گروهی اعلام کرده ام. اما امروز چنین اجزای را به آنها ندهام چون اعتقاد دارم با نیت خیر این اقدامات انجام می شود و نیت هیچ کدام از

آنچه در این مجال از آن بحث خواهد شد، مطابق تجربیات شخصی است که در سال های فعالیت داوطلبانه در جمعیت هلال احمر، با قبل از آن به دست آمده است. قبل از پیوستن به هلال احمر به فعالیت های داوطلبانه و عام المنفعه می پرداختم. زمان جنگ به صورت داوطلبانه به جبهه رفتم. آن زمان دانشجوی رشته علوم تربیتی بودم. شغلم معلومی بود. مایک گروه چند نفری از دوستان بودیم که با تصمیم گرفتیم به جبهه برویم. علت اصلی این دفاع از وطن و روایر دشمن قرار نگریستن بود. برای جنگ هم جمع مان حافظ گردیدیم و فعالیت های داوطلبانه خود را در قالب کارهای جهادی دنبال کردیم. طبق شاستی که داشتیم، بهترین مرجع برای این کارها هلال احمر با پیوستن بود تصمیم گرفتیم هر جایی که لازم باشد و در دستمال کاری برآید بروسیم و کمک کنیم. هر منطقی که در دستخوش حادثه ای می شد با محرومیتی مواجه بودیم. می فهمیدیم فعالیت می کردیم پس از آن هم در رشته پزشکی ادامه تحصیل دادیم. قبل از پیوستن به هلال احمر یعنی وقتی که پزشکی می خواندم به همراه دوستانم که آنها نیز هر هفته من بودند، داوطلبی می کردیم. در مناطق محروم مثل کهنوج اسلام آباد، بشاگرد و در کل جنوب کرمان و

اعضای گروه، نمایش نیست و برای رضای خدا و کمک به خلق خدایان اقدامات انجام می دهیم. بنابراین اگر بخشی دربار فرهنگ کار داوطلبی در این مجال شده یا می شود به عنوان یکی از افرادی حرف می زنم که در این زمینه تجربه عملی دارم. درباره وضع عمومی امروز داوطلبانه باید این نکته عرض شود که فرهنگ داوطلبی (با تلفظ بسیار) طی این سال ها در کشور ما بسیار گمراه شده است. بعد از انقلاب و در سال های جنگ گمراهی مردم به سمت کارهای عام المنفعه بسیار بیشتر بود. در واقع جامعه نوعی احساسی همبستگی داشت و به قول عموم، بکرنگ تر به نظر می رسید. و کمتر کسی به فکر منابع شخصی بود. توسعه بخش زیادی از مردم (از طریق آشنایان، همکاران و دیگر بزرگان حاضر در کلاس ما) البته من در سال های جنگ همسایه امادگی می نمودم. در مناطق مختلف خورستان مثل اهواز، حضور داشتم و چند بار هم مجروح شده ام. امروز جانباختن ۱۰۰ درصد هسته های هیئت فعالیت های داوطلبانه و عام المنفعه را کنار نگذاشته ام. بارها ندهای اهالی خود را برای تهیه فیلم و عکس از فعالیت های گروهی اعلام کرده ام. اما امروز چنین اجزای را به آنها ندهام چون اعتقاد دارم با نیت خیر این اقدامات انجام می شود و نیت هیچ کدام از

یادداشت

اعتمادسازی به حرف نیست

می افتد. نکته قابل تامل در مورد این است که تاکنون تعریف برخی از مدیران این بود که گمان می کردند توسعه فرهنگی با اطلاع گزارهای دستوری ممکن است اما امروز وضع تغییر کرده است.

رسیدن به روشی مشخص و همه جانبه برای فرهنگ سازی در مورد فعالیت های داوطلبانه نیازمند برنامه ریزی های جدی و مطالعه شده است. مقوله فرهنگ و هنر و خاصه موسیقی از جمله حوزه هایی است که نقش تعیین کننده در زندگی مردم در شوق مردم به فعالیت های داوطلبانه دارد. در مورد تلاش اخیر اهالی موسیقی در مورد فرهنگ سازی داوطلبانه می توان به اجرای آقای حسین علیزاده و گروه هم آوازیان برای حمایت از کودکان مبتلا به نقص ایمنی اشاره کرد. آقای علیزاده



داریوش بیرنیان

در انتهای کنسرت مذاکرات سه بار خود را برای کمک به این کودکان به حراج گذاشت. این کنسرت معرفی کننده کارهای خیر داوطلبانه است و بهترین راه برای تشویق مردمی است که اهالی هنر را دوست دارند.

وقتی چنین اقداماتی توسط اهالی هنر اتفاق می افتد، مردم بیش از پیش به حرکت در مسیرهای خیریه به صورت داوطلبانه سوق پیدا می کنند. نکته جالب توجه در مورد سوق دادن مردم به سمت فعالیت های داوطلبانه دقت نظر در مورد مسائل و زمینه های اجتماعی است. تاریکی که این زمینه های اجتماعی سود نوجه قرار نگرفته است، معضل فرهنگ سازی به آن معنا و وسعتی که مدنظر است، اتفاق نخواهد افتاد. به عنوان مثال می توان با فراهم کردن زمینه کار هنر منتران و تسهیل مختلف امیاد بود که هنر منتران در طول سال کنسرت های خیرخواهانه فراروانی برگزار کنند. اگر بروز چنین فوایدی را حرکت در سمت فعالیت های داوطلبانه قلمداد کنیم، می توان امیاد بود تا بکرنگ تر کنسرت های خیرخواهانه مردم نیز به سمت فعالیت های خیراندیشانه و داوطلبانه حرکت کنند.

فرهنگ سازی معمولاً از بالا به پایین اتفاق می افتد. نکته قابل تامل در مورد این است که تاکنون تعریف برخی از مدیران این بود که گمان می کردند توسعه فرهنگی با اطلاع گزارهای دستوری ممکن است اما امروز وضع تغییر کرده است.

خیراندیشی و فعالیت های داوطلبانه نیز از درون آنها قابل استخراج است. بنابراین می توان گفت تسهیل در امر گزار فعالیت های فرهنگی تا حدود فراروانی با توسعه اقدامات داوطلبانه و خیراندیشانه به عرض مردم یاد اقدامات فرهنگی ساز را با چشم ببینند و با تمام وجود لمس کنند. تنها در این شرایط است که می توان به توسعه فرهنگ های زیبای انسانی امیدوار بود.

فرهنگ سازان را باید چشم ببینند و با تمام وجود لمس کنند. تنها در این شرایط است که می توان به توسعه فرهنگ های زیبای انسانی امیدوار بود.

فرهنگ کار داوطلبانه باید از خانواده شروع شود

مریم عیدی | داوطلب فعال هلال احمر

ضعیف است، به همین دلیل شاید خیلی از افرادی که توانایی مالی برای کمک دارند، در این فعالیت ها شرکت نمی کنند. البته ما تلاش خودمان را می کنیم تا دوستی های ما با همکاران و دوستانمان را تقویت کنیم. به نیت خیر این اقدامات انجام می شود و نیت هیچ کدام از

مدار الگویی برای فرزندان جوانان آینده است. همچنین رسانه ها و سازمان های نظیر پوینت می توانند به عنوان یک رسانه حساس باشند. چنین افرادی شوازی شهر یا حضورشان می توانند به فرهنگ سازی کمک کنند. مسافله باید این کارها را آنها مداری گرفته و به جگلسها به با گلر باز دعوت کردیم. می توانستیم در صورتی که حضور آنها به بیشتر با مشکلات جامعه و شهرستان آشنا هستند، می توانیم خیلی کمک کنیم. اما کم کاری می کنند.

مسئولان مدارس می توانند با برنامه های جذاب دانش آموزان را به کارهای داوطلبانه جلب کنند. مثلا مدارس می توانند در روزهای جشن برنامه های خود را با کارهای هنری دیگر مثل نقاشی، کمک صورت می گیرد.

فرهنگ سازی معمولاً از بالا به پایین اتفاق می افتد. نکته قابل تامل در مورد این است که تاکنون تعریف برخی از مدیران این بود که گمان می کردند توسعه فرهنگی با اطلاع گزارهای دستوری ممکن است اما امروز وضع تغییر کرده است.